

## دارالعلم‌های شیعی؛ نهادی آموزشی با نقشی واسطه‌ای در رشد تمدن اسلامی

یدالله حاجی‌زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

دارالعلم‌های شیعی، یکی از نهادهای علمی و آموزشی در جهان اسلام به شمار می‌روند که به دلیل وجود کتابخانه و توجه بنیان‌گذاران آنها به امر آموزش، تأثیر قابل توجهی در روند رشد و اعتلای تمدن اسلامی داشته‌اند. این مراکز علمی، بیشتر با ذوق و همت بزرگانی از شیعه در قرن چهارم و پنجم هجری، در بغداد، قاهره و مناطقی دیگر تاسیس شده‌اند. آشنایی با این دارالعلم‌ها و تأمل در نقش و کارکرد آنها مقوله‌ای است که در این نوشتار به آن توجه شده است. سؤالی که در اینجا مطرح است اینکه دارالعلم‌های شیعی به‌عنوان یک نهاد آموزشی، چه نقشی در تمدن اسلامی داشته‌اند؟ بررسی این موضوع با شیوه توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد دارالعلم‌های شیعی ضمن اینکه با کارکردهای گوناگون خود، از جمله کارکرد کتابخانه‌ای و آموزشی، در رشد تمدن اسلامی موثر بوده‌اند، درحقیقت، نقش واسطه‌ای بین مراکز علمی پیشین با مراکز علمی پسین ایفا کرده و در الگودهی به مراکز ادوار بعد تأثیرگذار بوده‌اند. علت عدم تداوم ساخت مراکز علمی با این نام و همین کارکرد در ادوار بعد (پس از قرن ششم) بدان جهت بوده است که مدتی بعد، مراکز علمی پیشرفته‌تری با امکانات بیشتر و بهتری در میان شیعیان و اهل سنت ساخته شده و به‌این ترتیب مرحله دارالعلم‌ها به پایان رسیده است. واژگان کلیدی: دارالعلم‌های شیعه، کتابخانه‌های دارالعلم، تمدن اسلامی، نقش واسطه‌ای، مدارس شیعه.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران؛ y.hajizadeh@isca.ac.ir

## مقدمه

عوامل متعددی در پیدایی، رشد، بالندگی و رونق تمدن اسلامی نقش داشته‌اند. این رشد و بالندگی تا حد زیادی مرهون آموزه‌هایی است که اسلام به عنوان آخرین دین الهی به جامعه بشری عرضه کرده است. یکی از این آموزه‌ها، توجه به مقوله علم و دانش است که هم قرآن کریم و هم آموزه‌های پیشوایان دینی، پیوسته بر آن تأکید داشته‌اند (ر.ک: مجادله: ۱۱؛ زمر: ۹؛ علق: ۱-۵ و کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۲)؛ تأکیدات و توصیه‌هایی که از همان صدر اسلام موجب پیدایی کانون‌های علمی شد. اولین کانون علمی در اسلام مسجد بود و سپس کانون‌های دیگری همچون: مکتب خانه‌ها، خانه‌های دانشمندان، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، دارالعلم‌ها، مدارس، حوزه‌های علمیه، رصدخانه‌ها و... تاسیس شدند. یکی از این مراکز علمی که به نوبه خود در رشد تمدن اسلامی تاثیرگذار بوده، «دارالعلم» است. این مراکز علمی که در حقیقت کتابخانه‌ای عمومی بوده و کارکرد آموزشی و در مواردی تبلیغی داشته‌اند، از قرن چهارم هجری به بعد با ذوق و همت عالمان و بزرگان شیعه، کار خویش را در مرکز خلافت اسلامی، یعنی بغداد، آغاز کرد و سپس در یکی دو منطقه دیگر نیز مراکزی با همین عنوان تأسیس شد. تأسیس چنین مراکزی در تمدن اسلامی، بیش از دو قرن تداوم نیافت. از مهم‌ترین دارالعلم‌ها می‌توان به دارالعلم شاپورین اردشیر، دارالعلم فاطمیان، دارالعلم سید رضی، دارالعلم سید مرتضی و دارالعلم طرابلس اشاره کرد. در این نوشتار تلاش بر این است تا ضمن معرفی مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دارالعلم‌های شیعی، نقش این نهاد علمی در میان نهادهای آموزشی در تمدن اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

درباره دارالعلم‌ها در جهان اسلام، تحقیقاتی در قالب کتاب و مقاله انجام گرفته است. محمد کریمی زنجانی اصل (۱۳۸۵) در کتابی با عنوان دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام، ضمن بیان ساختار و عملکرد دارالعلم‌ها و معرفی دارالعلم‌های شیعی، کارکرد دارالعلم‌ها را در «حفظ آثار شیعی و توسعه علوم» خلاصه کرده و به نقش واسطه‌ای این نهاد آموزشی توجه نداشته است. عبدالرحیم غنیمه (۱۳۸۸) نیز در کتاب تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، به اجمال از دارالعلم‌ها سخن گفته و همانند اثر قبلی، به نقشی که این نهاد آموزشی در روند آموزش در جهان اسلام ایفا نموده، توجه نکرده است.

همچنین مقالاتی درباره دارالعلم‌ها نوشته شده است که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: «کتابخانه شاپور، اولین کتابخانه و دارالعلم شیعه»، به قلم مرتضی محمدنیا سماکوش (۱۳۸۹)؛ «نقش دارالعلم طرابلس در پویایی مذهب تشیع در عهد بنی‌عمار»، نوشته سید ابوالقاسم فروزانی و لیدا مودت (۱۳۹۳)؛ «دارالعلم‌های دوره آل بویه و نقش آن در شکوفایی و ارتقای علم و دانش»، نگاشته ذکراالله محمدی و محسن پرویش (۱۳۹۲)؛ «پژوهشی درباره دارالعلم قاهره» به قلم محمد علی چلونگر (۱۳۸۳)؛ «اهداف، وظایف و کارکرد آموزشی مراکز علمی فاطمیان»، نوشته حمزه علی بهرامی و مهدی فرمانیان (۱۳۹۰) و «کارکرد دارالعلم فاطمی در آموزش علوم و تبلیغ تعالیم اسماعیلی»، نوشته یدالله حاجی‌زاده (۱۳۹۸). در پژوهش‌های یادشده، در بیشتر موارد، موضوعات جزئی مربوط به دارالعلم‌ها مد نظر بوده و به نقش واسطه‌ای این مراکز در تمدن اسلامی توجهی نشده است.

## ۱. مفهوم‌شناسی دارالعلم

واژه «دارالعلم» مرکب از دو واژه «دار» و «علم» است. واژه دار به معنای، جای فرود آمدن، سرا، خانه، محل، شهر، بیابان و ناحیه است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۹۴-۶۹۵). از موارد کاربرد این واژه، به جز دارالعلم، می‌توان به دارالضرب (محل ضرب سکه)، دارالشفاء (بیمارستان) و دارالمرض (بیمارستان) اشاره کرد (زمخشری، ۱۳۸۶، ص ۲۱). واژه «علم» نیز نقیض جهل، به معنای یقین، معرفت، دانش و آگاهی است (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۲۷). بنابراین می‌توان واژه دارالعلم را از نظر لغوی، به معنای خانه علم و دانش معنا کرد. در اصطلاح، دارالعلم یا همان سرای علم، موسسه‌ای وقفی و چندمنظوره و به شکل کتابخانه‌ای عمومی در مکانی مستقل بوده است که در آن، بر تعلیم علوم و آموزش‌های مذهبی تأکید، و مجالس درس و مناظره برگزار می‌شده است. همچنین در عین حال دارای استادان و دانشجویانی بوده است که در آن ساکن می‌شدند و مقرری دریافت می‌کردند. برخی گفته‌اند این نام‌گذاری، برگرفته از دارالعلم اسکندریه است که بطلمیوسیان<sup>۱</sup> در اسکندریه مصر قبل از اسلام دایر کرده بودند (قفطی، ۱۳۷۱، ص ۱۷ و بغدادی، ۱۴۰۳، ص ۱۱۴). در این مراکز علمی، مترجمان و

۱. دودمانی یونانی تبار که از سال ۳۰۵ تا ۳۰ قبل از میلاد بر مصر فرمانروایی کرده‌اند.

نویسندگان به کار ترجمه و پژوهش اشتغال داشتند و در مواردی کلاس های درس نیز در آنها تشکیل می شد. به عبارت دیگر می توان گفت دارالعلم درحقیقت مؤسسه ای علمی - آموزشی بوده که مهم ترین رکن آن و یا به تعبیری، اساس و بنیاد آن، «کتابخانه» بوده است. در این مرکز علمی، طالبان علم و حتی در برخی موارد استادانی سکونت داشتند که به کار مطالعه، پژوهش و تحصیل اشتغال داشتند و هزینه های زندگی آنان، از سوی متولیان این مراکز تامین می شد.

## ۲. دارالعلم های شیعی

پیش از معرفی اجمالی دارالعلم های شیعی باید به این نکته اشاره شود که یکی از اولین دارالعلم ها در جهان اسلام، از سوی یکی از فقهای شافعی تاسیس شده است. بر اساس نقل یاقوت حموی (م ۶۲۶ق)، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن حمدان موصلی (۲۴۰-۳۲۳ق)، فقیه شافعی مذهب، دارالعلمی در شهر موصل عراق برپا کرد (حموی، ۱۴۰۰، ج ۷، ص ۱۹۰-۱۹۱). موصلی که جایگاه علمی اش مورد ستایش برخی از بزرگان قرار گرفته است (ابن ندیم، بی تا، ص ۲۱۳؛ حموی، ۱۴۰۰، ج ۷، ص ۱۹۲ و کحاله، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۴۷)، با بنای این دارالعلم، کتابخانه ای در آن مهیا کرد که کتاب هایی از همه علوم در آن قرار داشت. وی این کتاب ها را وقف علاقه مندان به علم کرده بود؛ به گونه ای که هرکسی می توانست از این مرکز علمی استفاده کند. وی حتی نوشت افزار نیز در اختیار مراجعین کم بضاعت قرار می داد. حموی ضمن اشاره به این مطالب، از تشکیل مجلس درس از سوی موصلی در این مرکز علمی خبر داده است (حموی، ۱۴۰۰، ج ۷، ص ۱۹۳)؛ هرچند گویا حسادت برخی از همشهریان موصلی که سرانجام به تبعید وی از این شهر منجر گردید، مانع از تداوم خدمات علمی این مرکز علمی شد (همان، ص ۱۹۳-۱۹۴).

ایجاد دارالعلم ها به عنوان یک مرکز علمی در میان اهل سنت نتوانست جایگاه خویش را پیدا کند و این شیعیان بودند که دارالعلم های بیشتر و مهم تری در جهان اسلام، به ویژه در قرن چهارم و پنجم هجری ایجاد کردند.

### ۲.۱. دارالعلم شاپوربن اردشیر

اولین دارالعلم شیعی، دارالعلم شاپوربن اردشیر (م ۴۱۶ق)، وزیر شیعه مذهب و ایرانی

بهاءالدوله دیلمی است که با ذوق شخصی و امکاناتی که در اختیار داشت، این مرکز علمی را در سال ۳۸۳ ق (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۱۰۱ و ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۲۷، ص ۱۶) در محله کرخ بغداد ایجاد کرد (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۲۷، ص ۱۶). وی کتاب های فراوانی برای این مرکز علمی فراهم کرد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ص ۳۱۲) و آنجا را برای طالبان علم وقف نمود (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۳۵۰). تعداد کتاب های این کتابخانه عمومی، که به تعبیر برخی، بهتر از آنها در جهان یافت نمی شد (حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۵۳۴)، ۱۰۴۰۰ جلد کتاب بوده است (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۷). این دارالعلم «نه تنها کتابخانه بود، بلکه مرکزی برای تعلیم و تعلم محسوب می شد و مانند بیت الحکمه مامون (م ۲۱۸ ق)، مرکز تالیف، ترجمه و استنساخ کتب و تکثیر نسخه های انحصاری به شمار می رفت» (محمدنیا سماکوش، ۱۳۸۹، ص ۹۵). در نهایت، این مجموعه علمی، در پایان دوره آل بویه و با ورود سلجوقیان سنی مذهب، در نیمه قرن پنجم هجری (۴۴۷ ق) از بین رفت (حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۵۳۴ و ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۳۵۰).

## ۲.۲. دارالعلم فاطمیان

یکی از مشهورترین و عظیم ترین دارالعلم ها در جهان اسلام، دارالعلم فاطمیان است که در سال ۳۹۵ ق در قاهره مصر ساخته شد. بنا بر نقل مقریزی (م ۸۴۵ ق)، که بیشترین اطلاعات را درباره این مرکز علمی ارائه کرده است، در این دارالعلم، افراد زیادی خدمت می کردند و امور آن را سروسامان می دادند (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۷۹). این مرکز علمی که بخشی از شکوفایی فرهنگی و تمدنی مصر در عصر فاطمیان به آن مربوط می شود و در زمان خویش یکی از بزرگ ترین و مهم ترین مراکز علمی، فرهنگی و آموزشی در جهان به شمار می رفت، به امر خلیفه فاطمی، الحاکم بامرالله (حک: ۳۸۶-۴۱۱ ق)، تاسیس و آباد شده بود (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۷۱). کتابخانه این دارالعلم، بزرگ ترین کتابخانه جهان در آن زمان بوده است (نویری، ۱۴۲۳، ج ۲۸، ص ۱۷۹ و مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۷۹). مقریزی ضمن بیان این نکته که در سراسر جهان اسلام، کتابخانه ای بزرگ تر از آن نبود، تعداد کتاب های این مرکز علمی را ۱،۶۰۰،۰۰۰ جلد کتاب دانسته است (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۹۲). در استفاده از این مرکز علمی، نه تنها محدودیتی برای کسی وجود نداشت؛ بلکه امکانات مورد نیاز، از جمله قلم و کاغذ رایگان

نیز در اختیار افراد قرار می‌گرفت تا به راحتی بتوانند از کتابخانه بهره ببرند (نویسی، ۱۴۲۳، ج ۲۸، ص ۱۷۹ و مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۷۹).

در دارالعلم فاطمیان، جلسات آموزشی و مباحثات علمی، حداقل در برخی از ادوار آن برقرار بود و حاکمان فاطمی اهتمام خاصی به برپایی چنین مجالسی داشتند (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۶۹ و ج ۲، ص ۳۷۹-۳۸۰). هاینس هالم، مستشرق آلمانی، دارالعلم فاطمی را تنها مؤسسه علمی در جهان اسلام معرفی کرده است که در همه زمینه‌های علمی، به طالبان علم آموزش می‌داد (هالم، ۱۳۷۷، ص ۹۲). سرانجام این مرکز علمی به دست ایوبیان افتاد و صلاح الدین ایوبی آن را به مدرسه‌ای برای اهل سنت تبدیل کرد (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۰۰).

### ۲.۳. دارالعلم سید مرتضی و سید رضی

علی بن حسین موسوی بغدادی، مشهور به سید مرتضی (۳۵۶-۴۳۶ ق)، اولین کسی است که خانه خویش را در بغداد، به عنوان دارالعلم قرار داد (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۲۳). وی در این مرکز علمی شاگردانی داشت که مشغول تحصیل بودند و سید به آنان مقرری پرداخت می‌کرد. قزوینی تعداد شاگردان سید مرتضی را چهارصد شاگرد فاضل دانسته است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ص ۳۹). کتابخانه دارالعلم سید مرتضی هشتاد هزار جلد کتاب داشت (آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۷، ص ۱۹۲). شواهدی وجود دارد که دانشمندان نیز به این مرکز علمی رفت و آمد می‌کردند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵۰۶). متأسفانه با درگذشت سید مرتضی، این دارالعلم نیز بسته شد. سید رضی (۳۵۹-۴۰۶ ق)، برادر کوچک‌تر سید مرتضی نیز دارالعلمی در بغداد ایجاد کرد. آنچه مشخص است اینکه این دارالعلم همانند دارالعلم سید مرتضی، عبارت بوده است از خانه‌ای مدرسه‌مانند، دارای کتابخانه‌ای مجهز در غرب دجله، که شاگردان سید رضی در آن سکونت داشتند و تمامی امکانات مورد نیاز برای ایشان فراهم شده بود (شریف رضی، ۱۴۰۶، ص ۲۷). در این دارالعلم نیز دانشمندان حضور می‌یافتند و به بحث و مناظره علمی می‌پرداختند. گفته شده که ابوالعلاء مُعَرِّی (م ۴۴۹ ق)، شاعر و فیلسوف شامی، در این دارالعلم با بسیاری از فضلاء زمان گفت و گو داشته است (حموی، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۵۳۹). این مرکز علمی نیز متأسفانه با درگذشت سید رضی در سال ۴۰۶ ق تعطیل شد.

## ۲،۴. دارالعلم طرابلس

یکی دیگر از مهم‌ترین، باشکوه‌ترین و نفیس‌ترین دارالعلم‌های شیعی، دارالعلم طرابلس است که در اواخر قرن پنجم هجری در شهر بندری طرابلس، مقر اصلی حکومت خاندانی شیعی و فرهنگ دوست به نام بنی‌عمار (۴۶۳-۵۰۳ق)، ساخته شد. این دارالعلم که از بزرگ‌ترین و بهترین دارالعلم‌های شیعی به شمار رفته است (شعار، ۱۴۰۵، ص ۱۱۵)، به دست امین‌الدوله ابوطالب حسن بن‌عمار (م ۴۶۴ق)، حاکم طرابلس و از نویسندگان و فقه‌های شیعه (نویری، ۱۴۲۳، ج ۳۱، ص ۵۱)، ایجاد گردید (ابن‌شداد، ۱۹۵۳، ج ۲، ص ۱۰۷ و عبدالحمید، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۵۶). پس از ابوطالب، این مرکز علمی به مدت ۲۸ سال تحت نظر برادرزاده وی، جلال‌الملک (حک: ۴۶۴-۴۹۲ق) اداره شد. وی به منظور رونق بخشی به این مرکز علمی، همانند عمویش افرادی را برای یافتن آثار نفیس علمی، به مناطق مختلف فرستاد. بر اساس نقلی، بنی‌عمار در همه شهرها افرادی داشتند تا کتاب‌های موردنیاز را خریداری کنند (الزحلاوی، ۱۳۴۴، ص ۱۱۲). بر اساس شواهد موجود، کتابخانه این دارالعلم، بسیار بزرگ و غنی بوده است. بر پایه نقلی، در کتابخانه این دارالعلم، سه میلیون جلد کتاب، که تمامی آنها کتاب‌های دینی، قرآن، حدیث و ادب بود، نگهداری می‌شد (ابن‌فرات، ۱۴۲۸، ج ۸، ص ۷۷).<sup>۱</sup> به جز کتابخانه عمومی، که نه تنها مردم طرابلس، بلکه مردم نواحی دیگر نیز از امکانات آن بهره می‌بردند، در این مرکز علمی، محل‌هایی برای تشکیل کلاس‌های درس، تالاری برای اجتماعات علمی و مباحثات دانشمندان و مکانی برای اسکان نسخه‌نویسان و اهل علم وجود داشته است (الزحلاوی، ۱۳۴۴، ص ۱۱۲ و ابن‌فرات، ۱۴۲۸، ج ۸، ص ۷۷). متأسفانه عمر این دارالعلم نیز چندان به درازا نکشید؛ زیرا تقریباً سی سال پس از تأسیس آن، شهر طرابلس به دست صلیبی‌ها افتاد و آنها این مرکز علمی را نابود کردند، کتاب‌های آن را به آتش کشیدند و یا به غارت بردند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۴۷۶ و الزحلاوی، ۱۳۴۴، ص ۱۱۲). یکی از نویسندگان، ضمن اشاره به عظمت این مرکز علمی، به آتش کشیدن آن را خسارتی بسیار بزرگ و جبران‌ناپذیر دانسته است (الزحلاوی، ۱۳۴۴، ص ۱۱۰).

۱. یکی از نویسندگان، این آمار را مربوط به تمامی کتابخانه‌های طرابلس دانسته است (کردعلی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۹۱).

### ۳. نقش واسطه‌ای دارالعلم‌های شیعی

دارالعلم‌ها به عنوان یکی از مراکز آموزشی در جهان اسلام و در تمدن اسلامی، در حقیقت نقش واسطه‌ای میان مساجد، مکتب‌خانه‌ها، خزانه‌الحکمه‌ها و بیت‌الحکمه از سویی و با مدارس و حوزه‌های علمیه از سوی دیگر داشته‌اند. مطالعه در ماهیت و کارکرد مراکز علمی و آموزشی که پیش از دارالعلم‌ها در جهان اسلام تشکیل شده‌اند و مراکزی که در مرحله بعد از دارالعلم‌ها شکل گرفته‌اند، و مقایسه این مراکز با دارالعلم‌ها می‌تواند تا حدودی این نقش واسطه‌ای را نشان دهد؛ به گونه‌ای که گویی دارالعلم‌ها خود را به کارکرد و ساختار مدارس نزدیک کرده‌اند. همین امر سبب شده است حتی برخی از نویسندگان، تعبیر «مدرسه» را برای دارالعلم به کار گیرند. ابن‌کثیر درباره دارالعلم شاپور بن اردشیر می‌نویسد: «به گمان من این دارالعلم، اولین مدرسه‌ای بوده که مدت‌ها قبل از تشکیل نظامیه‌ها، وقف فقها شده است» (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ص ۳۱۲).

### ۴. مقایسه دارالعلم‌ها با مراکز آموزشی پیشین

دارالعلم‌ها را از جهات گوناگونی می‌توان با مراکز علمی پیشین مقایسه کرد. این مقایسه می‌تواند در تعداد کتاب‌ها، میزان دسترسی افراد به این مراکز و توجه یا عدم توجه این مراکز به امر آموزش باشد.

#### ۴.۱. تعداد کتاب‌ها

در جامعه اسلامی، افراد به فراخور توانایی و میزان علاقه‌ای که به کتاب داشتند، در خانه خویش و یا در مراکز علمی، به جمع‌آوری کتاب می‌پرداختند. به همین جهت از همان قرون اولیه، شاهد شکل‌گیری کتابخانه‌های کوچک و بزرگ در جای جای قلمرو اسلامی هستیم. مقایسه کتابخانه‌های دارالعلم و میزان کتاب‌های آن با کتابخانه‌ها و کتاب‌های موجود در مراکز علمی و آموزشی پیشین نشان می‌دهد کتابخانه‌هایی که در دارالعلم‌ها تشکیل شدند، به مراتب، برتر و باشکوه‌تر از کتابخانه‌های قبلی بودند. همچنین تعداد کتاب‌های موجود در دارالعلم‌ها نیز به مراتب بیشتر از کتابخانه‌های شخصی و امثال بیت‌الحکمه<sup>۱</sup> و بیت‌الخزانه

۱. بیت‌الحکمه از اولین کتابخانه‌های مهم جهان اسلام، به همت هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۹۳ق) تأسیس شد و در دوره مامون (حک: ۱۹۸-۲۱۸ق) به دوره اوج و تکامل خویش رسید. در این مرکز علمی، آثاری به ویژه آثار ترجمه‌ای سایر

بوده است. هرچند درباره تعداد کتاب‌های این مراکز علمی، رقم دقیقی در دست نیست، اما تردیدی وجود ندارد تعداد کتاب‌هایی که در این مراکز علمی فراهم آمده، به مراتب کمتر از تعداد کتاب‌های برخی از دارالعلم‌ها همانند دارالعلم فاطمیان و دارالعلم طرابلس بوده است که به ترتیب ۱٫۶۰۰٫۰۰۰ و ۳٫۰۰۰٫۰۰۰ جلد کتاب داشتند (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۹۲ و ابن فرات، ۱۴۲۸، ج ۸، ص ۷۷). از این جهت می‌توان به نوعی رشد دارالعلم‌ها نسبت به مراکز علمی پیشین را شاهد بود.

#### ۴.۲. استفاده‌کنندگان

دارالعلم‌ها بدان جهت که عموم مردم می‌توانستند از آنها استفاده کنند، به نوعی متمایز از برخی مراکز علمی قبل، همانند بیت‌الحکمه و خانه‌های دانشمندان بودند. نظری به کارکرد بیت‌الحکمه نشان می‌دهد که از این مرکز علمی، تنها عده‌ای خاص مانند عالمان، پژوهشگران، مترجمان و نساخان می‌توانستند استفاده کنند. بنابراین بیت‌الحکمه، به عنوان مهم‌ترین کتابخانه جهان اسلام قبل از دارالعلم‌ها، برخلاف دارالعلم، کتابخانه‌ای عمومی نبود که همگان بتوانند به راحتی از آن استفاده کنند. به جز بیت‌الحکمه، کتابخانه‌های دیگری همچون خزانه‌الحکمه علی بن یحیی بن منصور منجم (م ۲۷۵ق) (حموی، ۱۴۰۰، ج ۱۵، ص ۱۵۷) و خزانه‌الحکمه فتح‌بن خاقان از دولتمردان عصر متوکل عباسی در بغداد (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۱۴۳ و حموی، ۱۴۰۰، ج ۱۵، ص ۱۶ و ۱۷۴) نیز بودند که همانند بیت‌الحکمه، جنبه عمومی نداشتند. این کتابخانه‌ها در بیشتر موارد، شخصی و حداکثر نیمه عمومی بودند، ولی دارالعلم‌ها کتابخانه‌هایی بودند که برای اولین بار، عموم مردم امکان استفاده از آنها را داشتند.

#### ۴.۳. توجه به آموزش

اگر از آموزش‌های انجام شده در مساجد، به ویژه آموزش‌های برخی از امامان شیعه علیهم‌السلام و پیشوایان مذاهب فقهی اهل سنت در مساجد صرف نظر کنیم، باید بگوییم تا قبل از شکل‌گیری دارالعلم‌ها، در مراکز علمی جهان اسلام، امر آموزش هنوز جایگاه چندانی نداشته است. البته مساجد به علت اینکه در اصل، اماکنی عبادی به شمار می‌رفتند و از

تمدن‌ها، از جمله تمدن یونانی و تمدن ایرانی نگه‌داری می‌شد.

سوی متولیان و بنیان آن محدودیت‌هایی در استفاده از آن اعمال می‌شد، نمی‌توانستند جای مراکز آموزشی را پر کنند. در خانه‌ها همانند خانه محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ ق) (رک: ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶، ص ۱۲۲-۱۲۳) و مکتب‌خانه‌ها، ضمن اینکه تعداد محصلان بسیار اندک بود، بیشتر آموزش‌ها ابتدایی بود. در بیت‌الحکمه نیز بیشتر به پژوهش و ترجمه آثار سایر تمدن‌ها توجه می‌شد و آموزش، جایگاه چندانی نداشت.

هرچند در دارالعلم‌ها، جنبه پژوهشی بر جنبه آموزشی غلبه داشت، اما در هر حال اضافه شدن جنبه آموزشی به کارکرد دارالعلم‌ها، پیشرفت این مراکز علمی نسبت به سایر مراکز علمی از جمله بیت‌الحکمه و خزانه‌الحکمه را نشان می‌دهد. توجه به امر آموزش در برخی از دارالعلم‌ها، بسیار قابل توجه و پررنگ بوده است. به جز دارالعلم‌های بغداد، به خصوص دارالعلم سید رضی و سید مرتضی که در آنها امر آموزش بسیار جدی دنبال می‌شد (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ص ۳۹)، در دارالعلم فاطمیان نیز به موضوع آموزش توجه خاصی شده است. بر اساس آنچه در منابع آمده است، پس از بنای دارالعلم فاطمی، با حمایت‌های خلیفه، دانشمندان رشته‌های گوناگون، از جمله: قرائت، نجوم، نحو، لغت، طب، فقه، ریاضی و منطق در آن حضور یافتند و به امر آموزش مشغول شدند (نویزی، ۱۴۲۳، ج ۲۸، ص ۱۷۹).

#### ۴.۴. مقایسه دارالعلم‌ها با مراکز آموزشی پسین

پس از دارالعلم‌ها، که خود پیشرفتی در تأسیس مراکز علمی در جهان اسلام به شمار می‌رفتند، شاهد شکل‌گیری مراکز علمی - آموزشی بهتر و بیشتری در میان شیعه و اهل سنت هستیم. در این مراکز، گاه برخی از کارکردهای دارالعلم‌ها، به همان قوت سابق استمرار نیافت. به عنوان نمونه، کتابخانه‌های این مراکز، دیگر همانند کتابخانه‌های دارالعلم‌ها، عمومی نبودند. البته کتابخانه‌های عمومی که از قرن ششم هجری (پس از اتمام دوره دارالعلم‌ها) پدید آمدند، این نیاز را برطرف می‌ساختند و دیگر نیازی به عمومی بودن کتابخانه‌های مدارس و حوزه‌های علمیه نبود، اما امر آموزش در دارالعلم‌ها، تمرکز و انسجام بیشتری یافت و نهادینه شد.

#### ۴،۴،۱. مقایسه با مراکز آموزشی اهل سنت

در میان اهل سنت، خواجه نظام الملک (م ۴۸۴ ق) با سابقه ذهنی که از دارالعلم‌ها در سر داشت، تلاش کرد مراکز علمی پیشرفته‌تری را ایجاد کند. از نیمه دوم قرن پنجم هجری، با همت این وزیر ذی نفوذ دربار سلجوقی، مدارس در بغداد و سایر شهرهای اسلامی با عنوان «نظامیه» تشکیل شد. هرچند گفته شده که پیش از نظامیه‌ها نیز مدارس در جهان اسلام به خصوص در خراسان وجود داشته است (سبکی، بی تا، ج ۴، ص ۳۱۴)، اما در این نکته تردیدی نیست که این مدارس، همانند مدرسه ابن فورک اصفهانی (م ۴۰۵ ق)، بیشتر جنبه شخصی و خصوصی داشتند (رک: حنبلی، بی تا، ج ۳، ص ۱۸۱). این گونه مدارس، تنها برای تدریس یک دانشمند یا یک فقیه و استفاده معدودی از طلاب دایر می شدند، اما نظامیه‌ها اولین مدارس دولتی و رسمی در جهان اسلام بودند که برای نخستین بار تأسیس آنها در شمار وظایف دولت قرار داده شد. پیدایش نظامیه‌ها در مناطق مختلف جهان اسلام، تحولی جدید و بزرگ به حساب می آمد؛ چراکه در این مرکز یا مراکز آموزشی، برنامه‌های آموزشی، تمرکز و انسجام بیشتری یافت، نظم و ساماندهی بیشتر شد، استادان وضعیت مطلوب‌تری پیدا کردند و دانشجویان و دانش پژوهان از موقعیت آموزشی برتری بهره‌مند شدند. علاوه بر این، مدارس نظامیه از حیث بنا و ساختمان، مسائل رفاهی و بهداشتی، جذب و گزینش استاد و دانشجو، پرداخت مستمری و هزینه تحصیلی، متون و مواد درسی، شیوه‌های آموزشی و تربیتی و تعلیم فنون جدل و خطابه و... از انسجام خوبی برخوردار بودند. به همین جهت می توان گفت نظامیه‌ها اولین مراکز آموزش عالی در جهان اسلام بوده‌اند. همین ویژگی‌های خاص و نوپدید که سبب شده است همه مدارس و مراکز علمی پیش از نظامیه‌ها تحت الشعاع قرار گیرند، برخی از نویسندگان را متقاعد ساخته است که خواجه نظام الملک را اولین پایه‌گذار «مدرسه» در جهان اسلام معرفی کنند (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۲۳، ص ۱۴۶).

مدارس نظامیه، از حمایت جدی دولت برخوردار بودند و گفته شده است یک دهم درآمد مملکت، به تأسیس این مدارس اختصاص یافته بود (قزوینی، ۱۹۹۸، ص ۴۱۲). این مدارس، از بخش‌های گوناگونی تشکیل شده بودند که مهم‌ترین این بخش‌ها، به جز بخش‌های آموزشی،

کتابخانه بود. برخی از نظامیه‌ها، همانند نظامیه بغداد و اصفهان، کتابخانه‌های بزرگ و معتبری داشتند (قفطی، ۱۳۷۱، ص ۴۴۸). اهمیت کتابخانه نظامیه بغداد باعث گردید حدود یک قرن پس از تأسیس، ساختمان جدیدی توسط خلیفه عباسی، الناصر لدین الله (م ۶۲۲ق)، برای آن ساخته شود (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۰۴). در این مدرسه، علاوه بر خوراک، پوشاک و مسکن، به طلاب بی بضاعت، کمک هزینه تحصیلی پرداخت می شد (طرطوشی، ۱۴۱۵، ص ۳۵۸). شواهدی وجود دارد که نشان می دهد تشکیل دارالعلم‌ها، در پیدایی و تأسیس نظامیه‌ها بی تاثیر نبوده است. به جز دارالعلم‌های بغداد، آوازه موفقیت دارالعلم فاطمیان در مصر نیز در جهان اسلام پیچیده بود و این امر، خواجه را که سنی متعصب<sup>۱</sup> و در پی غلبه فرهنگی اهل سنت (مذهب شافعی) و جلوگیری از نفوذ اسماعلیان در ایران بود، در راه اندازی مرکزی پیشرفته تر، ابتکاری تر، وسیع تر و تاثیرگذارتر ترغیب کرده است.

#### ۴،۴،۲. مقایسه با مراکز آموزشی شیعه

در میان شیعیان نیز پس از دارالعلم‌ها، شاهد شکل گیری مرکز آموزشی مهم تری به نام حوزه علمیه هستیم. شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) که در زمان حمله سلجوقیان به بغداد، در محله کرخ بغداد مسئولیت دارالعلم شاپور بن اردشیر را بر عهده داشت (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸-۹)، با نابودی کتابخانه اش، از بغداد به نجف مهاجرت کرد و این هجرت، مقدمه تشکیل حوزه علمیه در این شهر شد. درحقیقت، شیخ طوسی با ورود خویش به نجف، دارالعلم را به حوزه علمیه تبدیل کرد. مقایسه اجمالی حوزه‌های علمیه و تکامل و پیشرفت آنها در ادوار بعد با دارالعلم‌ها، نشان از پیشرفت مراکز علمی - آموزشی شیعی دارد.

به جز حوزه‌های علمیه، از اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری به بعد، شاهد شکل گیری مدارس هستیم که توسط شیعیان تأسیس شدند. از جمله، در شهر ری، هفده مدرسه وجود داشت (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ص ۳۴-۳۶). بر اساس همین نقل، یکی از این مدارس، مدرسه عبدالجبار بود که در قرن ششم حدود چهارصد طلبه در آن تحصیل می کردند. گفته شده است که این مدرسه را شیخ عبدالجبار، معروف به مفید (زمانی نژاد، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۳۰) در

۱. خواجه در سیاستنامه هیچ کاری برای پادشاه را از نابودی رافضیان و باطنیان واجب تر نمی داند: «... هرآنکه ایشان پدید آیند، بر پادشاه وقت هیچ کاری فریضه تر از آن نباشد که ایشان را از پشت زمین برگینند...» (نظام الملک، بی تا، ص ۱۸۴).

اواخر قرن پنجم هجری بنا کرده بود (حموی، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۱۲۰). از دیگر مدارس شیعی این شهر، مدرسه خواجه امام رشیدی رازی بود که محلی برای سکونت طلاب داشت، کتابخانه‌ای غنی در آن برپا بود و دویست محصل در آن تحصیل می‌کردند. در همین زمان در شهر قم ده مدرسه شیعی وجود داشت که عبدالجلیل رازی از آنها نام برده است. ایجاد مدارس در ادوار بعد نیز در میان شیعه تداوم یافت؛ به‌گونه‌ای که در دوره صفویه، نهضت مدرسه‌سازی بسیار پیشرفت کرد. در اینکه ایجاد مدارس به دست شیعیان، تحت تاثیر دارالعلم‌ها بوده یا خیر، اطلاعات کافی در اختیار ما نیست، اما بی‌تردید این مدارس به جهت سامانی که داشته‌اند، در کنار نظامیه‌ها و سایر مدارس اهل سنت، شاهدهی بروند روبه‌رشد مراکز آموزشی جهان اسلام پس از دارالعلم‌ها به شمار می‌روند.

### نتیجه‌گیری

دارالعلم‌ها به‌عنوان یکی از مراکز علمی و آموزشی در جهان اسلام، از اهمیت خاصی برخوردار بودند. این مراکز علمی که نقش شیعیان در تأسیس و گسترش آنها قابل توجه است، ضمن اینکه کتابخانه‌هایی عمومی به حساب می‌آمدند، کارکرد آموزشی نیز داشتند و الگویی برای مراکز علمی بعدی در جهان اسلام شدند. این نهادها، یک مرحله از مراحل پیدایی و ایجاد مراکز علمی و آموزشی در جهان اسلام به شمار می‌روند که تا حدودی نقشی واسطه‌ای را در این خصوص ایفا کرده‌اند. دارالعلم‌ها در برخی از جنبه‌ها، از جمله در میزان کتاب‌هایی که در آنها نگه‌داری می‌شده است، نسبت به مراکز علمی پیشین برتری داشتند. کتابخانه این مراکز بدان جهت که عمومی بود و همگان امکان استفاده از آن را داشتند، جنبه دیگری از پیشرفت در مراکز علمی جهان اسلام را نشان می‌داد. در میان اهل سنت، با تأثیرپذیری از این مراکز، از نیمه دوم قرن پنجم هجری، مدارس با عنوان نظامیه در شهرهای مختلف جهان اسلام برپا شد و این نهضت (مدرسه‌سازی) بعدها نیز در میان آنان تداوم یافت. در میان شیعیان نیز شکل‌گیری حوزه‌های علمیه و مدارس شیعی، مرحله‌ای دیگر از رشد مراکز علمی در جهان اسلام را نشان می‌دهند که تا حدودی نقش واسطه‌ای دارالعلم‌ها در آنها دیده می‌شود. نکته‌ای که تا حدودی نقش واسطه‌ای دارالعلم را نشان می‌دهد اینکه

به مرور زمان، انضباط و ساماندهی مراکز آموزشی در جهان اسلام بیشتر شده است؛ به گونه‌ای که دارالعلم‌ها در مقایسه با مساجد، مکتب‌خانه‌ها و خانه‌های دانشمندان، از انسجام و قابلیت بیشتری برخوردار بودند. از سوی دیگر، مدارس نیز در مقایسه با دارالعلم‌ها، دارای انسجام، انضباط و ساماندهی بهتر و بیشتری بوده‌اند. گویی دارالعلم، دوره‌ای از رشد و شکوفایی را طی کرده و سپس با پیدایش مدارس و سایر مراکز علمی پیشرفته، به مرحله رکود و نابودی رسیده است. در مدارس، نظم و انسجام بیشتر شده، تعداد دانشجویان افزایش یافته، برنامه‌های درسی ساماندهی بهتری گرفته و رشته‌های علمی در آنها بیشتر شده است. طبیعتاً این امر سبب شده است که خروجی‌های مدارس، از جهت کمی و کیفی، بیشتر و بهتر باشند.



## فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵ق)، الكامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
۲. ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۶۶ش)، تاریخ طبرستان، تهران: پدیده خاور.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۱۲ق)، المنتظم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. ابن حجر عسقلانی (۱۳۹۰ق)، لسان المیزان، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۵. ابن خلکان (بی تا)، وفيات الاعیان، بیروت: دار الثقافة.
۶. ابن شداد، محمد بن علی (۱۹۵۳م)، الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره، دمشق: المعهد العلمی الفرنسی للدراسات العربیه.
۷. ابن فرات، محمد بن عبدالرحیم (۱۴۲۸ق)، تاریخ ابن فرات، بیروت: الجامعة الامریکیه.
۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل (۱۴۰۷ق)، البداية و النهایة، بیروت: دار الفکر.
۹. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا)، الفهرست، بیروت: دار المعرفه.
۱۰. بغدادی، عبداللطیف (۱۴۰۳ق)، الافاده و الاعتبار، دمشق: دار قتیبه.
۱۱. بهرامی، حمزه علی و فرمانیان، مهدی (۱۳۹۰ش)، «اهداف، وظایف و کارکرد آموزشی مراکز علمی فاطمیان»، فصلنامه سخن تاریخ، ش ۱۴، ص ۲۹-۵۴.
۱۲. تهرانی، آقابزرگ (بی تا)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دار الاضواء.
۱۳. چلونگر، محمد علی (۱۳۸۳ش)، «پژوهشی درباره دارالعلم قاهره»، مشکوة، ش ۸۲، بهار، ص ۹۱-۱۰۴.
۱۴. حاجی زاده، بدالله (۱۳۹۸ش)، «کارکرد دارالعلم فاطمی در آموزش علوم و تبلیغ تعالیم اسماعیلی»، فصلنامه تمدن اسلامی و دین پژوهی، سال اول، ش ۴، پاییز، ص ۱۱۳-۱۳۲.
۱۵. حموی، یاقوت (۱۳۹۹ق)، معجم البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰ق)، معجم الادباء، بیروت: دار الفکر.
۱۷. حنبلی، ابن عماد (بی تا)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. ذهبی، شمس الدین (۱۴۰۷ق)، تاریخ الاسلام، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۹. راجب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش)، مفردات الفاظ القرآن، تهران: مرتضوی.
۲۰. الزحلاوی، حبیب الیاس (۱۳۴۴ق)، «احراق دارالعلم بطرابلس الشام»، مجله الزهراء، ش ۲، ص ۱۱۰-۱۱۳.
۲۱. زمانی نژاد، علی اکبر (۱۳۸۴ش)، شناخت نامه شیخ ابوالفتوح رازی، قم: دار الحدیث.
۲۲. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶ش)، مقدمه الادب، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
۲۳. سبکی، تاج الدین عبدالوهاب (بی تا)، طبقات الشافعیه الکبری، بی جا: دار احیاء الکتب العربیه.
۲۴. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ق)، الخصائص الاثمه علیه السلام، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه الآستانه الرضویه المقدسه.
۲۵. شعار، منذر (۱۴۰۵ق)، «دارالعلم فی طرابلس الشام»، الوعي الاسلامی، سال یازدهم، ش ۲۴۵، ص ۱۱۵-۱۱۷.

۲۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج، مشهد: مرتضی.
۲۷. طرطوشی، أبوبکر محمد بن محمد (۱۴۱۵ق)، سراج الملوك، ریاض: دار العاذریه للطباعة و النشر.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. عبدالحمید، صائب (۱۴۲۴ق)، معجم مورخی الشیعة: الإمامیة - الزیدیة - الإسماعیلیة، قم: مؤسسه دائرة معارف الفقه الاسلامی.
۳۰. غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۸۸ش)، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه: نورالله کسای، تهران: دانشگاه تهران.
۳۱. فروزانی، سید ابوالقاسم و مودت، لیدا (۱۳۹۳ش)، «نقش دارالعلم طرابلس در پویایی مذهب تشیع در عهد بنی‌عمار»، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، سال دوازدهم، ش ۴۶، ص ۷-۲۴.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد (بی‌تا)، المصباح المنیر، قم: موسسه دار الهجره.
۳۳. قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸ش)، نقض معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، تهران: انجمن آثار ملی.
۳۴. قزوینی، زکریا بن محمد (۱۹۹۸م)، آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت: دار صادر.
۳۵. قفطی، علی بن یوسف (۱۳۷۱ش)، تاریخ الحکماء، تهران: دانشگاه تهران.
۳۶. کحاله، عمر (۱۳۷۶ق)، معجم المؤلفین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. کردعلی، محمد (۱۴۰۳ق)، خطط الشام، بیروت: مکتبه النوری.
۳۸. کریمی زنجانی اصل، محمد (۱۳۸۵ش)، دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام، تهران: اطلاعات.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، کافی، تهران: اسلامیه.
۴۰. محمدنیا سماکوش، مرتضی (۱۳۸۹ش)، «کتابخانه شاپور، اولین کتابخانه و دارالعلم شیعه»، کتاب ماه کلیات، ش ۱۵۲، مرداد، ص ۹۲-۹۷.
۴۱. محمدی، ذکرائه و پرویش، محسن (۱۳۹۲ش)، «دارالعلم‌های دوره آل بویه و نقش آن در شکوفایی و ارتقاء علم و دانش»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال چهارم، ش ۷، پاییز و زمستان، ص ۱۷۳-۱۹۵.
۴۲. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۸ق)، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۳. نظام‌الملک، حسن بن علی بن اسحاق (بی‌تا)، سیاست‌نامه، تهران: زوار.
۴۴. نویری، شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب (۱۴۲۳ق)، نهاية الأرب فی فنون الأدب، قاهره: دار الکتب و الوثائق القومیه.
۴۵. هالم، هاینریش (۱۳۷۷ش)، فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: نشر فرزاد.